معنای کلمه‌ی «فوز»

من کلمه‌ی «فوز» را عرض کنم. کلمه‌ی «فوز» از لغات جالب است. در التحقیق آورده‌اند و در کتاب‌های دیگر هم آورده‌اند. «فوز» به چه معنا است؟ ما می‌گوییم: به‌معنای رستگاری است. «فلاح» یعنی چه؟؛ یعنی رستگاری. این‌ها نزدیک هم هستند. مقایسی می‌گوید:

> «مقا- فوز: كلمتان متضادتان: فالاولى- النجاة. و الاخرى الهلكة. فاز إذا نجا. و فاز بالأمر إذا ذهب به و خلص. و كان الرجل يقول لامرأته إذا طلقها: فوزي بأمرك، كما يقال أمرك بيدك. و يقال لمن ظفر بخير و ذهب به. و الكلمة الاخرى- فوز الرجل إذا مات»[1].

«مقا- فوز: كلمتان متضادتان»؛ دو معنای ضد هم دارد. جالب است. **«فالاولى- النجاة»؛** همین معنایی که می‌دانید. به‌معنای رستگار شدن و نجات پیدا کردن است. **«و الاخرى الهلكة»؛** هلاک شدن. تضادی که ایشان می‌گوید، این است. **«فاز إذا نجا ...و الكلمة الاخرى- فوز الرجل إذا مات»؛** هلاک شدن و مردن هم معنای دیگر آن می‌شود. «مفازة» به‌معنای بیابان‌های بی آب و علف است که هر کسی در آن برود هلاک می‌شود. «إنّ للمُتّقينَ مَفازاً»[2]؛ در این آیه به‌معنای بیابان نیست. مصدر میمی است.

ایشان می‌فرمایند:

> «و التحقيق أن الأصل الواحد في المادة: هو الوصول الى الخير و النعمة. و قلنا في- فلح: إن الفوز مرتبة بعد الفلاح. و أما مفاهيم- النجاة و الظفر و الذهاب و الخلاص و السلامة: فمن آثار الفوز و لوازمه. و أما الهلاكة و الموت: فبملاحظة النجاة و التخلص منها، و الوصول الى الخير و السلامة، فان المنجى و المهلك متلازمان. «فمن زحزح عن النار و أدخل الجنة فقد فاز»[3].

«و التحقيق أن الأصل الواحد في المادة: هو الوصول الى الخير و النعمة»؛ به نظرم ابو هلال عسکری در فروق اللغة می‌گوید: ما یک نجات داریم و یک فوز داریم. فرقش را به این صورت گذاشته بود که نجات این است که آدم از یک سختی در برود. همین که از سختی رفت، نجات است. اما فوز این است که از سختی در رفت، اما همین‌جا نماند و نفسی بکشد و بگوید سختی تمام شد، بلکه بدل از سختی به نعمت و خوشی واصل شود. «فائز» کسی است که نه تنها نجات پیدا کرده است، بلکه واصل به تنعم است. ایشان می‌فرمایند: «هو الوصول الى الخير». مرحوم آقای مصطفوی نجات را در لغت نمی‌آورند. می‌گویند: **«هو الوصول الى الخير و النعمة و قلنا في- فلح»؛** در صفحه‌ی صد و سی و سه فرموده‌اند. «إن الفوز مرتبة بعد الفلاح»؛ اول فلاح می‌آید و بعد فوز می‌آید. «وَيُنَجّي اللّهُ الّذينَ اتّقَوا بِمَفازَتِهِم»[4]. این کاربرد ظریفی در این نجا است.

ایشان می‌گویند: **«و أما مفاهيم- النجاة و الظفر و الذهاب و الخلاص و السلامة: فمن آثار الفوز و لوازمه»**؛ کسی که به خیر وصول پیدا کرد، نجات هم پیدا می‌کند. خُب، هلاکت و موت که ابن‌فارس گفت: در مقابل آن‌ها است، چیست؟ می‌فرمایند**: «و أما الهلاكة و الموت: فبملاحظة النجاة و التخلص منها»؛** می‌گویند: راحت شد. نه این‌که مردن و هلاکت به‌معنای فوز باشد. «فاز» همانی است که عرف می‌گویند راحت شد. برای مردن هم تعبیر راحت شد به کار می‌برند.

ایشان به آن معنا می‌گیرند. «فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فازَ»[5]. ایشان این را در مادّه‌ی فوز فرموده‌اند.

از حیث بحث‌های لغوی آن و چیزهای دیگری که می‌توانند خیلی مفصل باشد، اگر پیجویی کردید و فرمایشی افاده فرمودید، استفاده می‌کنیم. من به لغت بعدی می‌روم.

«و بهما الفوز بالجنة والنجاة من النار»؛ به این شهادتان رستگاری به بهشت است و نجات از نار است.

---

[1]. علامه‌ی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۹، ص ۱۵۵.

[2]. النبا، آیه‌ی ۳۱.

[3]. علامه‌ی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۹، ص ۱۵۵.

[4]. الزمر، آیه‌ی ۶۱.

[5]. آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 فوریه 2024 14:41:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 فوریه 2024 12:03:22 توسط ... .